

زاویه دید

نگاه به شخصیتی ملموس با پردازشی واقعی

حافظی که می شناسیم

از غفلت تا فراآگاهی



نوشین مجلسی
گروه رسانه

حاج یونس میوه ممنوعه را خاطراتن هست؟ «۷۰ سال عبادت» او یک شبه بر باد رفت. بهزاد در سریال «او یک فرشته بود» هم منع دیگری کرد و از تسلط بر نفس خود مطمئن بود اما از پس همین ادعا شیطان صدایش را شنید و بستر گناه را برایش فراهم کرد. پای رضا هم لغزید. دکتر پژوهان در سریال اغما هم که عمری پاک زیسته بود ادیسر کبر شد؛ اما حکایت «حافظ رستگاری» در عین شباهت با شخصیت‌های مثال زده شده، فرق می‌کند. همه این آثار در ماه رمضان روی آنتن رفتند و همه‌شان قصه افراد ظاهرالصلاح و مشرعی را نشان می‌داد که اسیر گناه شده و با غره شدن بر پاکی خود به مرداب آلودگی گرفتار می‌شدند. اما تفاوت آنجاست که نیکی و بدی، سره و ناسره و خیر و شر در زندگی حافظ از ابتدا تنیده در هم بوده و همین مانع رسیدن او به رستگاری می‌شود. هرچند کفه خوبی‌های او سبب‌ساز نجاتش از مجازات عمل می‌شود و او پیش از آن‌که دیر شود! سرنوشت تلخی که در دنیای باقی انتظارش را می‌کشد، آگاه می‌شود تا شاید فرصت اصلاح و رستگاری بیابد. حافظ مثل بسیاری از آدم‌هایی است که می‌شناسیم، آدم‌هایی که بی‌خیبر، دست در جیب دیگری دارند اما از جیب خود گشاده‌دست می‌بخشند و ادعای شرافت‌شان گوش فلک را کر کرده است. آنها که دزدی را فقط شبیخون زدن به خانه دیگری می‌دانند اما با استناد به قدرت خود، حرام را حلال می‌کنند.

دستگیر فقرا هستند، ولی دست رد به سینه عشق و محبت می‌زنند. زبان‌شان تلخ است و دشنام‌گو عیب جو هستند. به حساب سنت، از واجب بودن احترام به بزرگتر می‌گویند و در مقابل کوچکتر، زبان به تحقیر می‌گشایند. حافظ از همین آدم‌هاست که به حساب خود و تعداد زیادی از اطرافیان‌ش پاک‌دست و بهشتی است، اما حواسش فقط به آلوده شدن به برخی نگاهان بوده و از دقت ترازوی الهی غفلت کرده است. او دیکتاتوری کوچک است که بر کارخانه واهل خانه، با زور و تشر حکم می‌راند ولی عجیب است که پدر و سرمایه‌دار بدی هم به حساب نمی‌آید. حافظ از میان رنگ‌آمیزی شخصیت‌ها، خاکستری است. جایی از او و کردار ناپسندش منجر می‌شویم و لحظه‌ای دل‌مان به حال پیریشانی‌اش می‌سوزد.

اتفاقا به تاگی در تپک و گفتی که با محمود پاک‌نیت، ایفاگر توانمند این نقش داشتیم درباره این شخصیت گفت: «حافظ هم مثل بسیاری از آدم‌هایی است که می‌شناسیم. شخصی که وقتی تحت فشار قرار می‌گیرد عکس‌العملش با زمانی که شاد است فرق می‌کند. این ابعاد مختلف یک آدم را نشان می‌دهد. حافظ شخصی مذهبی است. به حلال و حرام پایبند است اما در این مسیر برای خود سیاست‌هایی دارد و گاهی دلیل تراشی می‌کند. مثلاً در مسأله چاه زدن فکر می‌کند چون زمین را خریده، آب آن زمین را هم خریده است. قصه با افتادن رنوف در چاه شروع می‌شود و ادامه پیدا می‌کند تا جایی که دامن همه شخصیت‌ها را می‌گیرد. در کل قصه باعث شد من بازی در این سریال را بپذیرم. از نظر من اثر بسیار خوبی است. با عشق و علاقه خاصی در کنار نویسنده، کارگردان، بازیگران و عوامل پشت صحنه کار را شروع کردیم و به پایان رساندیم.» او در بخش دیگری از سخنان‌ش هم یکی از تمایزات این قصه را با توجه به شخصیت‌پردازی حافظ، جذابیت آن برای مخاطبان با هر اندیشه و باوری دانست و بیان کرده بود: «مذهب در تمام زندگی ما ریشه دارد. انسان هر دین و مذهبی اعم از بودایی، مسیحی، یهودی و... داشته باشد، خدا در وجود او ریشه دارد. همه به خدا و روز جزا باور دارند. ما مسلمانان به قیامت اعتقاد داریم و این سریال هم با قیامت آغاز می‌شود. آدم‌ها از زیر خاک بلند می‌شوند، روز رستاخیز است و همه باید در سؤال و جواب شرکت کنند. همان‌طور که قرآن می‌گوید همه اعضای شما را به هم پیوند می‌دهیم؛

حتی اگر تجزیه شده باشد. بنابراین شما به حالت اولیه برمی‌گردید.

در تیتراژ می‌بینیم که افراد از گور برمی‌خیزند. جذابیت این قصه و این ژانر برای تماشاگر همین است که چیزهایی را که خوانده و شنیده، به‌صورت عینی می‌بیند. به‌تاگی شخصی به من گفت این آثار بل تیغ است. ممکن است فقط افراد مذهبی این سریال را دنبال کنند و برای همه جذاب نباشد اما به اعتقاد من افراد غیرمذهبی و کسانی که بسیاری از اعتقادات من و امثال من را ندارند، سریال را به عنوان یک کار متفاوت نسبت به همه کارهایی که تا امروز در صداوسیما انجام شده است، تماشا می‌کنند. برای خود من هم جذاب است. شخصیت حافظ برای من جدید بود چون قصه به‌روز است. این شخصیت ربطی به نقش‌هایی که تا امروز بازی کرده‌ام، ندارد.»

خبر

ادامه پخش «سرنخ»

در سال ۱۴۰۳

آریا طاهری، مجری و تهیه‌کننده درباره برنامه «سرنخ» گفت: سال گذشته برای من پر از فراز و نشیب بود و تجربه‌های خوبی برای ساخت فصل اول و دوم سرنخ کسب کردم که پخش فصل اول آن از نوروز ۱۴۰۳ شروع شد و توانست مخاطب قابل قبولی را کسب کند و به همین دلیل ساخت فصل دوم را در دستور کار قرار دادیم. وی ادامه داد: در نوروز برنامه سرنخ را داشتیم و پخش آن ادامه دارد. این تهیه‌کننده درباره اهداف این برنامه توضیح داد: هدف من ساخت



احمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

سینما و تلویزیون ما گویی وجهی محرمانه دارد این خطای محض است. گاه هم تصور می‌شود مباحث امنیتی و طرح چالش‌های اساسی ما در این قلمرو جنبه محرمانه دارد؛ این هم اشتباه عیان است. مسائل بنیادین، موانع، زایش‌ها و آفرینش‌ها و مفاهیم و موضوعات، بیان اولویت‌ها و اهداف و جذب و پرورش و رشد نیروهای سازنده و تولیدگر هیچ‌یک محرمانه نیست. گفت‌وگو و نقد علنی سبب رشد و رفع کاستی‌ها و پرورش درست نیروهای یک سینمای پیش‌رو دینی و دارای قدرت حرفه‌ای و تخصصی‌کمال‌یابنده می‌شود. هم باید علناً از آثار هنری با نگاه ایمانی و قرآنی دفاع کرد و هم با همدلی آنها را آسیب‌شناسی و نقد کرد و رشد داد. هم باید در راه نشرشان کوشید. هم دیدگاه‌های مختلف مخالف را به درستی و در دقت شناخت و مصفاهانه با آنان برخورد کرد و بین‌نگرشی، خواهان تحول و بهبود ساختار روایی و بصری آثار دیندارانه و انقلابی با نگرشی بدخواه کینه‌توز و شبه‌مدرن برده غرب تفکیک قائل شد.

البته یک فضای ژورنالیستی محدود مجال پرداختن به همه این وجوه را ندارد. بخشی از کار مربوط به نشست‌های تخصصی است و تنها جنبه‌هایی اندک از یک واکاوی عمیق زیبایی‌شناسانه، تمانیک و محتوایی، جامعه‌شناختی و وجه معرفت‌دینی یا اثر سیاسی و اخلاقی و مخاطب هدف را می‌توان در فضای رسانه مطرح کرد. البته کماکان مهم‌ترین موضوع پژوهش امر شناختی و ساختاری تحول نظام تولیدی در ایران و نقش دولت است؛ این‌که به‌طور جدی ببینیم نظام سینمایی و حکمرانی دارد چه می‌کند، اگر در حوادث عملی سال‌های اخیر مدیریت سینمایی در مسیر حل بحران ساخت سینما و سریال‌سازی در ایران درس نیاموزد و پس از پشت‌سر گذاشتن توطئه بزرگ استکبار برای حذف سینما و جدایی و گسست نیروهایش که در طول یک قرن رویانده شده و مهارت و تخصص و توان‌یابی‌های مستمر یافته‌اند، باز به دامن هم‌زمنی همین نیروها و مهارت‌شان بیاویزد، باید این بازگشت فساد را جز خیانت نام نهد. به‌کارگیری نیروهای وسیع‌متخصص در سینما در بطن نظام استقلال‌طلب و آزاده جمهوری اسلامی یک چیز، بازگرداندن فساد نشر فرهنگ اباحگرگی و هنر تجسمی پرورنده شیطان و فساد ضد دینی چیز دیگری است. باید بدانییم فیلم و سریال در ایران در کدام مرزها باید حرکت کند؟ و در دایره تولید آثاری که گسترش دارند، فیلم و سریال مستقیم مروج نگرش قرآنی و روایی و داستان‌های دراماتیک یک زندگی لاتقوای دینی و نیز انقلابی، چه حجمی را باید در برگرد؟ باید ماهیت مخالفت‌های مختلف را شناخت. آیا تا جایی که به‌نظام حکمرانی مربوط است نهاد حکومت و مدیران اصلاح‌دارند به تخریب و تلاش ویرانگر فیلمسازی دینی واقعی بگذارند و به نگرش کینه‌توزانه کفر جهانی و شبکه‌هایش که از زبان سینماگران و منتقدان دارای مخالفت با روح دینی اثر سینمایی تسلیم شوند یا تشخیص ندهند کدام نقد در مسیر رشد سینما و سریال‌سازی سالم است و کدام نقد اصلا در مقام یک‌نگرش دین‌ستیز بالفاظی و دروغ از ضعف‌های کاذب یک سریال دارد حرف می‌زند. هر منتقدی می‌داند با سلاح زبان و کلیات سینمایی و مصطلحات واژگان آن می‌توانید یک اثر مزخرف را شاهکار وانمود کنید و یک اثر شریف دینی را که اشکالات واضحی هم می‌تواند داشته باشد تا سرحدیک کار مبتذل فروکشید.

لبت یکت و بی‌خوف از روشنگری دینی

به‌این ترتیب می‌بینیم از زوایای گوناگون سریال رستگاری را می‌توانیم دادرسی کنیم. من منتقد سریال قبلی ده‌نمکی بودم و با حفظ ضرورت نقد و جوجی از این کار از اهمیت آن دفاع می‌کنم.

موضوع آن است که چه فهمی از این سریال داریم و چه چیز را با هم مقایسه می‌کنیم. آیا برای ما جهان‌بینی سریال مهم است یا نه؟ واقعیت نیروهای ما که سریال دینی می‌سازند چیست؟ آیا حق ساخت سریالی با نگاه و ویژگی سریال رستگاری که شالوده قرآنی و انتقال هدایت‌های روایی معصومانه برای رهایی از دوزخ دنیا و بحران‌های دو جهان است را در بستر درام خانوادگی و مواجهه با مرگ داریم؟ در اینجا مر دراماتیک صرفا بنا بر کلیات مشترک انسانی ماقبل دین مطرح نمی‌شود بلکه بر متن سبک زندگی اسلامی و

یک برنامه متفاوت در چارچوب و ساختار و ایده نبود. همان‌طور که می‌دانید برنامه سرنخ کپی‌نیده و یک برنامه کاملاً نوآورانه بوده است. این مجری درباره تغییرات در فصل دوم عنوان کرد: برنامه سرنخ در فصل دوم تعاملی شده است و مخاطب می‌تواند در هر بخش از برنامه، سرنخ‌ها و مجرم اصلی را به شماره پیامکی برنامه ارسال کند و این موضوع باعث تعاملی شدن برنامه شد. وی درباره حال و هوای ماه رمضان امسال گفت: ماه مبارک رمضان،

تخطی از آن ظهور می‌یابد. حافظ رستگاری مردی دارا، کارخانه‌دار، ظاهرالصلاح، مسلمان و شریعتمدار است اما دوری او از حقیقت، او را گرفتار می‌کند. این گرفتاری در عین حال متناسب با نقض شریعت در کار او و بی‌توجهی به احکام شرع مقدس است. پس ما سریالی که بی‌تعارف، لکنت و خوف از حمله روشنفکران مذهبی است، رویه‌رویی که همزمان با نگاه عرفان‌های غیرقرآنی مرزبندی دارد که ارتباط حقیقت و شریعت را می‌گسلد و به فرمانبرداری دقیق از قرآن در زندگی روزمره اهمیت می‌دهد و با بی‌خوف روشنفکری دینی و هجوم آنان این کار را می‌کند، چون یکی از امراض سکولاریته حساسیت و انزجار از مداخله شریعت در زندگی روزمره است. سریال می‌گوید حتی یک مسلمان باکم‌وکاست و کم‌فروشی در گردن نهادن به فرامین حق است که غرق باطل و معضلات آن می‌شود. ارزش معرفتی سالم رستگاری در نشان دادن شخصیتی است که در جامعه ما و بین مسلمانان فراوانند. اینان با عادت به ظاهر اعمال متداول واجب و بدون محاسبه و مراقبه همه اعمال خود در محضر حق از صراط مستقیم خارج می‌شوند و بر لبه پرتگاه دوزخ قرار می‌گیرند و اصلاً متوجه نیستند چه دامچاله هولناکی بر سر راه‌شان است، حافظ می‌اندیشد و انسانی مومن و همه چیز تمام و دست به خیر است. او در آغاز سریال قادر نیست خود را با چشمی بیدار بنگرد و فاصله‌اش را با بنده عاشق حق و با خدا دریابد و علت گرفتاری‌هایش را فهم کند. عدم توجه به تعهد جدی در همه‌امور به حق سبب نامرئی‌بحرانی است که حافظ در زندگی خانوادگی‌اش با آن روبه‌روست. لقمه حرام در وهله اول زندگی درونی و شمس زندگی خانوادگی فرد لابلایی را مختل می‌کند.

دچار کابوس و بحران تربیتی فرزندان‌ش است که به انواع حرام و پریشان‌آلوده‌اند و البته حرام رفتاری او یا فرزندان، و خودمحوری، خودخواهی و ناتوانی از ارتباط براساس محبت و خرد و اجرای هدایت شرع در این عرصه هم خود در کنار اصل لقمه شبیه‌ناک در آشفتگی و اغتشاش زندگی‌اش نقش دارد. اما سریال اجازه‌ی می‌دهد علل عدم بصیرت حافظ به خودش، دلیل فاصله هولناک فرزندان‌ش با او و ضمناً در جای خود اشتباهات فرزندان‌ش و فعل گرفتاری‌شان و نیز انواع سرکشی‌های منجر به تیره‌روزی آدم‌هایی مثل داوود را آرام‌آرام در نمایش رخدادها شاهد باشیم. حساسیت حساب‌وکتاب و نقش بی‌توجهی آدم‌هایی که مردان بدی نبودند اما نسبت به کار خطا و وسوسه دنیا و شیطان و حرص نفس خود، مقاومت و توبه نکردند و گرفتار رسوایی شدند هم در رستگاری جای معرفت‌بخشی دارد.

روایت سریال بر پایه احادیث

نکته دیگر رستگاری شکل‌بندی روایت با پایه احادیث معصوم علیهم‌السلام است و باز این سریال اثری است غالباً موفق با ابعاد دراماتیزه‌کردن روابط درون خانواده و کشمکش‌ها و شخصیت‌پردازی ظریف و گام‌به‌گام پیشروی‌کردن رویداد‌های این زندگی، با این اوصاف ضمناً رستگاری یک

منبر امروزی است برای وعظ تا خفتگان بیدار شوند.

منبر بودن در متن توانایی‌های دراماتیک و کشش نسبی همگانی، فضیلتی است که نصیب هر اثر و فیلمسازی نمی‌شود. دعوت به زندگی بر مبنای عدل و قسط و احکام قرآن، نه کار هنرمند لابلایی است و بی‌معرفت و نه مورد علاقه افشار دچار ابا‌ح‌گری و مدرنیته و زندگی لابلایی. پس مخاطب این سریال مسلمانان هستند و مشرکان و مدمن‌های بی‌ایمان و لایتک.

اولین خطایی که کانون ظهورست، ایمانی حافظ رستگاری و افشاری غرق شدن در دنیا و آزمندی دنیوی او می‌شود که سرچشمه بدبختی و تغییر وضعیت در داستان است، ماجرای استفاده غیرقانونی از چاه است. او با پنهان‌های فریبنده دستور‌کندن چاه غیرقانونی را می‌دهد که حق الناس در آن مغایی مرکب‌ان نهان می‌سازد. و چاهی که رنوف

ماه انسان‌سازی و ماه خودپرووری است و امسال همزمانی با بهار طبیعت می‌تواند معنی عمیق‌تری را به انسان برساند و شاید فرصت خوبی باشد تا همزمان با بهار طبیعت، یک بهاری هم در درون داشته باشیم و از فضایل این ماه استفاده کنیم. طاهری درخصوص تولید فصل جدید سرنخ خاطرنشان کرد: فصل دوم سرنخ در سال ۱۴۰۳ به پایان می‌رسد و باید این فصل را بررسی و تحلیل کنیم تا اگر بخواهیم فصل سوم را بسازیم چه تغییراتی داشته باشیم.



بررسی سریال رمضان‌ی شبکه ۲ س

رستگاری؛

را‌ومی دارد پیش پای خودش بکند، دوست و مسئول فنی کارخانه را به کام مرگ می‌فرستد و نیز به سرعت گریبانش را می‌گیرد و او را به عمق چاه رسوایی و تالیه دوزخ و کابوس می‌کشانند. چاه چون کوه یخ زیر آب می‌شود و در زرفای زندگی حافظ مسلمان ماجرا‌های می‌سازد. به ماجرای چاه آب و کار غیرقانونی و نامشروع و فشار حافظ به دوستش رنوف، تک‌نسیصی فنی‌کار کارخانه و سوق دادنش به سوی کار حرام باید با دیدگاه قرآنی نگاه کرد

تا ارزش رستگاری را متوجه شد.

این کار غیرشرعی و غیرقانونی رایج در فعالیت اقتصادی و متن تولید نتایج هولناکی به بار می‌آورد. خون ریفیی را به گردن حافظ می‌اندازد و سبب از کف



پنجره

شکست خورده

مثل بهروز

پویا امینی را بیشتر با نقش سینا در سریال «در قلب من» می‌شناسیم. او که در دورانی وقفه‌ای در حضورش در تلویزیون ایجاد شده بود و می‌توان گفت بازیگر گریه‌کاری است، در سریال «رستگاری» نقش بهروز، فرزند خانواده را بازی کرده که به نوعی شکست خورده و طرد شده از خانواده است. جوانی که بر اثر یک وسوسه درگیر پول نزول و مال حرام شده و درصدد جبران این اتفاق و ندانم‌کاری خودش است. امینی با توجه به سال‌ها تجربه در سینما و تلویزیون توانسته در این سریال نقش بهروز را به خوبی و به شکل ملموسی ایفا کند و بُعد دیگری از بازیگری‌اش را به تصویر بکشد، او که نخستین همکاری‌اش را با مسعود ده‌نمکی تجربه می‌کند، در این سریال سعی کرده نگاهش را با کارگردان همسوز کند. امینی حضور چندان طولانی در داستان ندارد اما در همان سکانس‌هایی هم که حضور دارد، تلاش کرده تا خوب و باورپذیر ظاهر شود. گرچه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کار شخصیت‌پردازی است و بهروز هم یکی از کاراکترهایی است که به خوبی به آن پرداخته شده است.



رخ

به خاطر پدرم

نقیسه روشن را بیشتر با شخصیت دختر مثبت خانواده در فیلم‌ها و سریال‌ها می‌شناسیم اما او این بار در سریال «رستگاری» نقش متفاوتی را ایفا کرده است. دختری به نام طناز که به خاطر عشق به پدرش می‌کوشد با همه بجنگد و حقی را که احساس می‌کند متعلق به پدرش هست، بگیرد.

روشن تلاش کرده تا این بار متفاوت حضور پیدا کند و از توانایی و تجربه‌ای که در طول این سال‌ها به دست آورده در این سریال و نقش طناز استفاده کند. خودش هم به قدری جذب این نقش شده بود که در صفحه‌اش در فضای مجازی، مدام از این سریال پست و استوری به اشتراک می‌گذاشت.

روشن پیش از این در سریال «دارا و ندار» با مسعود ده‌نمکی همکاری داشته و از این رو با سبک و سیاق و نگاه این کارگردان آشناست. ده‌نمکی هم با شناختی که از او داشته در این سریال نقش متفاوتی را به وی پیشنهاد کرده است. گرچه طناز مانند هر آدم دیگری هم ویژگی‌های مثبت دارد و هم منفی و نمی‌توان به‌طور کلی او را کاراکتر منفی دانست، با این حال رستگاری یکی از کارهای متفاوت این بازیگر محسوب می‌شود. این شخصیت درواقع از اعتماد کوزکروانه دایی‌اش سوءاستفاده و این کار را به دلیل خصومت پدر با دایی‌اش برای خود توجیه می‌کند.



گره‌گشایی به

شیوه «رستگاری»

سریال «رستگاری» که از ابتدای ماه مبارک رمضان روی آنتن رفته، تلاش کرده با حال‌وهوای ماورایی، مسأله حق‌الناس را مورد توجه قرار دهد. به‌تاگی مسعود ده‌نمکی، تهیه‌کننده و کارگردان این سریال، از گره‌گشایی این مجموعه در قسمت‌های پیش‌رو خبر داد. رستگاری تلاش کرده با مطرح‌کردن گره‌هایی از زندگی حافظ رستگاری، مسائل ماورایی و بعد از مرگ را برای مخاطب به تصویر بکشد.

